



Iranian Journal of Educational Society

Provide a Model of Entrepreneurship-Based Curriculum in Secondary School (Case study: Secondary Schools in Alborz Province)

Efat Aslani¹, Reza Vala^{2*}, Fattah Nazem³

1. PhD Student in Curriculum Planning, Roudehen Branch, Islamic Azad University, Roudehen, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran.
3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Roodehen Branch, Islamic Azad University, Roodehen, Iran.

❖ **Corresponding Author Email:** vala@riau.ac.ir

Receive: 2022/02/09

Accept: 2022/05/22

Published:

Keywords:

Entrepreneurship, Curriculum, High School.

Article Cite:

Aslani E, Vala R, Nazem F. (2023). Provide a Model of Entrepreneurship-Based Curriculum in Secondary School (Case study: Secondary Schools in Alborz Province), Iranian Society of Sociology of Education. 9(2): 1-12.

Purpose: The aim of this study was to provide a model of entrepreneurship-based curriculum in secondary school.

Methodology: The present study was applied in terms of purpose and integrated (qualitative-quantitative) in terms of implementation method. The research population in the qualitative section included experts in the field of entrepreneurship in Alborz province in the academic year 2020-2021, in which 14 people were selected based on theoretical saturation method and purposive sampling. The statistical population of the quantitative section also included all secondary school teachers of Alborz planning and entrepreneurship course in the academic year 2020-21 (266 people). The sample size was determined based on Morgan and Georgian table and 154 people were selected by simple random sampling method. The research tool in the qualitative part was semi-structured interviews and in the quantitative part was a researcher-made questionnaire based on the findings of the qualitative part. To validate the qualitative data, a recoding strategy and reliability were obtained with a coding agreement coefficient of 0.86. For quantitative findings, face validity and reliability were obtained by Cronbach's alpha method of 0.82. For data analysis, in the qualitative part, the content analysis method was used with Maxqda18 software and in the quantitative part with exploratory factor analysis and structural equation modeling with Smart Pls3 software.

Findings: The findings of the qualitative section showed that there are 56 sub-themes and 5 main themes (entrepreneurial knowledge, entrepreneurial attitude, entrepreneurial skills and entrepreneurial ability) for the entrepreneurship curriculum. The results of exploratory factor analysis also showed that the first factor, ie the creation of entrepreneurial knowledge explains 6.54 of the total variance, the second factor (entrepreneurial attitude) 7.65%, the third factor (entrepreneurial skills) 12.76% and the fourth factor (entrepreneurial ability) 14.65% explained the total variance of entrepreneurship. The results of structural equation modeling also showed that all identified factors have a significant effect. The GOF criterion also showed that the overall fit of the model was at a desirable level.

Conclusion: It can be concluded that a good curriculum should pay attention to the factors of knowledge, skills, attitudes and abilities, and curriculum planners should pay more attention to "creating entrepreneurial ability" and "entrepreneurial skills" in designing the entrepreneurship textbook.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0



انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران

ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم (مطالعه موردی: مدارس متوسط دوم استان البرز)

عفت اصلائی^۱، رضا والا^{۲*}، فتاح ناظظ^۳

۱. دانشجوی دکتری برنامه ریزی درسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. استادیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۳. دانشیار گروه علوم تربیتی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

* ایمیل نویسنده مسئول: vala@riau.ac.ir

مقاله تحقیقاتی

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم بود.

روش شناسی: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پژوهشی تلفیقی (کیفی-کمی) بود. جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل خبرگان رشته کارآفرینی استان البرز در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۹۹ بودند که تعداد ۱۴ نفر بر اساس روش اشباع نظری و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. جامعه آماری بخش کمی نیز شامل کلیه معلمان متوسطه دوم درس برنامه‌ریزی و کارآفرینی استان البرز در سال تحصیلی ۴۰-۱۳۹۹ (۲۶۶ نفر) بودند که حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و گرجسی ۱۵۴ نفر تعیین و به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود و در بخش کمی پرسشنامه‌ای محقق ساخته بر اساس یافته‌های بخش کیفی بود. برای اعتبار داده‌های کیفی از استراتژی کدگذاری مجدد و پایایی نیز با ضریب توافقی کدگذاری ۰/۸۶ حاصل شد. برای اعتبار یافته‌های کمی نیز از روایی صوری و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ به دست آمد. برای تحلیل داده‌ها نیز در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون با نرم‌افزار Maxqda^{۱۸} و در بخش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار Smart PLS^۳ استفاده شد.

یافته‌ها: یافته‌های بخش کیفی نشان داد ۵۶ مضمون فرعی و ۵ مضمون اصلی (دانش کارآفرینی، نگرش کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی و توانایی کارآفرینی) برای برنامه درسی کارآفرینی وجود دارد. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز نشان داد عامل اول یعنی ایجاد دانش کارآفرینی ۶/۵۴ از واریانس کل را تبیین می‌کند، عامل دوم (نگرش کارآفرینی) ۷/۶۵ درصد، عامل سوم (مهارت‌های کارآفرینی) ۱۲/۷۶ درصد و عامل چهارم (توانایی کارآفرینی) ۱۴/۶۵ درصد از کل واریانس کارآفرینی را تبیین کردند. نتایج مدل‌یابی معادلات ساختاری نیز نشان داد همه عوامل شناسایی شده دارای اثر معناداری هستند. همچنین معیار GOF نیز نشان داد برازش کلی مدل در سطح مطلوبی قرار داشت.

بحث و نتیجه‌گیری: می‌توان نتیجه گرفت یک برنامه درسی مطلوب باید به عوامل دانشی، مهارتی، نگرشی و توانایی توجه نماید و برنامه‌ریزان نظام درسی باید در طراحی برنامه درسی کتاب کارآفرینی، توجه بیشتری به "ایجاد توانایی کارآفرینی" و "مهارت‌های کارآفرینی" دانش‌آموزان داشته باشند.

دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۰

پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۰۱

انتشار:

واژگان کلیدی:

کارآفرینی، برنامه درسی، دوره متوسطه.

استناد مقاله:

اصلائی ع، والا ر، ناظظ ف. (۱۴۰۲). ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم (مطالعه موردی: مدارس متوسط دوم استان البرز)، انجمن جامعه‌شناسی آموزش و پرورش ایران. ۹(۳): ۱-۱۲.



<https://doi.org/10.22034/ijes.2021.541983.1184>



<https://dorl.net/dor/20.1001.1.23221445.1401.15.1.1.0>



Creative Commons: CC BY 4.0

امروزه یکی از راه‌حل‌های پاسخگویی به نیازهای افراد و رشد و توسعه‌شان را کارآفرینی دانسته‌اند. در واقع کارآفرینی پاسخگویی به گسترش نیازهای جوامع است (Diandra & Azmy, 2020). به همین دلیل، امروزه مقوله کارآفرینی به یکی از مباحث مهم جوامع تبدیل شده است. با رویکرد کارآفرینی بسیاری از معضلات از جمله بیکاری قابل حل بوده و استفاده بهینه از استعدادها و قابلیت نیز فراهم می‌شود (Holienska & etal, 2019). کارآفرینی مفهومی چند بعدی و در بردارنده ابعاد مختلفی است. به همین دلیل صاحب‌نظران تعاریف مختلفی از آن ارائه داده‌اند (Boldureanu & etal, 2020). کارآفرینی خلق محصول جدید و متفاوت با محصولات مشابه خود با تاکید بر ایده و نگرش نو به آن در طی یک فرایند خاص است (Ruskovaara, 2016). یا کارآفرینی استفاده حداکثری و بهره‌وری از محصولات با تاکید بر ایده‌ها و نگرش‌های جدید نسبت به آن محصولات است (Thompson, 2018). Churchill (2019) نیز معتقد است که کارآفرینان باید بر حرکت‌ها و بهبودهای مستمری متمرکز شوند که به صورت مداوم در پی بهره‌برداری از ریسک‌ها و فرصت‌های قابل کنترل باشد. به طور کلی، می‌توان دو نوع کارآفرینی را نام برد. کارآفرینی مبتنی بر نوآوری که ایده نوآوری در تجارت را با هدف پیگیری فرصت‌های جهانی به اشتراک می‌گذارد و نوع دوم، کسب و کارهای کوچک است که دسترسی محدودی به بازار جهانی دارد، به بازارهای محلی با روش سنتی خدمت می‌کند (Aulet & Murray, 2013).

مدارس نیز همواره دستخوش تغییرات و تحولات جوامع قرار دارند. امروزه کارکرد اصلی مدارس دیگر آموزش صرف معلومات به دانش‌آموزان نیست؛ بلکه آمادگی برای زندگی و کسب مهارت‌های زندگی و کسب کارانه مهم‌ترین رسالت مدارس است (Karyono, 2017). کارآفرینی و آشنایی با آن به منظور ایجاد کسب و کارهای جدید، استفاده از ظرفیت‌های بدون استفاده، توسعه ظرفیت‌های موجود و حل مشکلات اجتماعی بوده و در پاسخ به این چالش‌ها، ماموریت جدید مدارس، ایجاد توانمندی‌های کارآفرینی در دانش‌آموزان است. (Omidi, Hashemi Gholtash & Mashinchi, 2019). مدارس در حوزه کارآفرینی نقش برجسته‌ای دارند و با اقداماتی مانند تشکیل و راه‌اندازی دوره‌های آموزش کارآفرینی و اختصاص دروس خاص کارآفرینی در رشته‌های تحصیلی در کارآفرین می‌توانند نقش خود را به نحو مطلوب انجام دهند. مدارس قصد کارآفرینانه را تقویت کرده و یا ممکن است محدود کرده و مانع از شکل‌گیری آن شوند (Suryaman & Hari, 2017). عناصر مهم کارآفرینان مدارس را می‌توان شامل میل به پذیرش مسئولیت: کارآفرینان حس عمیقی از مسئولیت فردی برای پیامدهای فعالیت‌های خود دارند، تمایل به ریسک متوسط: کارآفرینان ریسک‌های بزرگ نمی‌کنند بلکه ریسک را حساب شده انجام می‌دهند، اعتماد به توانایی خود برای موفقیت: کارآفرینان نوعاً اعتماد بنفس زیادی به توانایی خود برای کسب موفقیت دارند و انعطاف‌پذیری: یکی از نشانه‌های کارآفرینان واقعی توانایی آنها در انطباق با تقاضاها و خواسته‌های در حال تغییر مشتریان و مؤسسات تجاری اقتصادی آنهاست (Kirkley, 2017). هدف اصلی از کارآفرینی در مدارس تربیت دانش‌آموزانی است که قادر باشند پس از دانش آموختگی شغل جدیدی همراه با نوآوری و خلاقیت ایجاد کنند. (Floris & Pillitu, 2019).

برنامه درسی یکی از راه‌های ایجاد کارآفرینی در مدارس است (Neck & Corbett, 2018). برنامه درسی کارآفرینی شامل برنامه‌ریزی‌های علمی و عملی مناسب جهت افزایش توانمندی‌های کارآفرینی بوده که در قالب محتوای درسی ارائه می‌شود که می‌تواند به صورت تئوری و عملی بوده و سایر اشکال دیگر مورد تدریس قرار بگیرد (Mortezanezhad, Attaran, Hosseinikhah & Abbasi, 2017). برنامه درسی کارآفرینی بر این امر تمرکز دارد که دانش‌آموزان در دوران تحصیل بتوانند تا حدودی از قابلیت‌های کارآفرینی از جمله نگرش‌ها و مهارت‌های لازم نسبت به مشاغل در آینده را کسب کنند (Din, Anuar, 2016 & Usman). مطالعات نشان داده‌اند که برنامه درسی کارآفرینی می‌تواند دانش‌آموزان را مسئولیت‌پذیرتر و در رویارویی با چالش‌های کسب و کار موفق‌تر نماید و به طور کلی نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان را کاهش می‌دهد (Hardie, Highfield & Lee, 2020). بنابراین برنامه درسی کارآفرینی یکی از محورهای مهم برنامه درسی کل است که پرداختن به آن می‌تواند زمینه افزایش مهارت‌های زندگی از جمله کارآفرینی و مواجهه با بازار کسب و کار را فراهم کند.

در مورد کارآفرینی مطالعات انجام شده است. (Omidi, & etal (2019) در پژوهشی نتیجه گرفتند سیاست‌ها و اهداف محیطی، ارتباط با بازار کار، مشارکت مربیان در تولید برنامه درسی، تعامل مستمر با مراکز علمی و ویژگی پذیرندگان از جمله عناصر مهم طراحی برنامه درسی کارآفرینی هستند (Holienska, 2019) Holienkova & Gal در پژوهشی نتیجه گرفتند که ریسک‌پذیری در رشته‌های کارآفرینی لازم و اساسی است. (Mishel (2018) در پژوهشی نتیجه گرفت رابطه مستقیمی بین ویژگی‌های شخصیتی کارآفرینی و توانایی افراد کارآفرین وجود دارد که باید در برنامه‌ریزی کارآفرینی در قالب دروس بدان توجه شود (Shakeri Siyah Kamari, Yarmohammadzadeh & Yariqoli (2018) در پژوهشی نتیجه گرفتند ترویج فرهنگ کارآفرینی در مدارس به ترتیب تحت تأثیر عواملی از قبیل ایجاد زیرساخت‌های کارآفرینی، توسعه آموزش‌های کاربردی، بهبود منابع و امکانات مدارس، توانمندسازی کنشگران انسانی، مدیریت مدرسه‌محور، پذیرش تفاوت‌ها، ارتباط با جامعه و صنعت، آموزش و برنامه درسی خلاق قرار دارد. (Mortezanezhad & etal (2017)

پژوهشی نتیجه گرفتند تمرکزگرایی شدید، نداشتن سیستم منظم برای تربیت و جذب معلمان کارآمد و عدم ارتباطات سازنده بین آموزش و پرورش و سایر نهادهاست از جمله عناصر مهم مورد توجه برنامه درسی کارآفرینی است. (Roshan & etal (2015 در پژوهشی نتیجه گرفتند آموزش کارآفرینانه، ضرورت آموزش کارآفرینانه، محتوای آموزش کارآفرینانه، محیط آموزش کارآفرینانه و شیوه‌های آموزش کارآفرینانه از جمله موضوعات مهم کارآفرینی دانش‌آموزان است. (Yadollahi Farsi & Mirarab (2009 در پژوهشی نتیجه گرفتند برنامه درسی آموزش کارآفرینی شامل عناصر آشنایی با مهارت‌های کسب و کار، آشنایی با تدوین طرح کسب و کار و آشنایی با نقش‌های کارآفرینان است.

در کشورمان نیز در دهه اخیر به کارآفرینی در مدارس توجه شده است. اما هنوز مدارس در ایجاد کارآفرینی در ابتدای راه قرار دارند و این در حالی است که بیش از ۶۲ درصد از دانش‌آموزان بعد از اتمام دوره متوسطه مهارت چندانی جهت اشتغال ندارند و بیش از ۱۸ درصد آنها نمی‌توانند شغل دلخواه و متناسب با مهارت‌های یاد گرفته شده در مدارس را پیدا کنند و حدود ۲۰ درصد از آنها در شغل‌های نامناسب اشتغال دارند (Ameri, 2020). بنابراین، توجه جدی به موضوع کارآفرینی در قالب برنامه درسی امری جدی و ضرورتی انکارناپذیر برای حل برخی از چالش‌های فعلی و در آینده خواهد بود. از سویی دیگر، برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در کشورمان هنوز دارای چارچوب مشخصی نیست که بر اساس آن بتوان محتوا و اهداف کارآفرینی را محقق ساخت. لذا خلا برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی مشهود است. همچنین عمده مطالعات انجام شده بر رابطه کارآفرینی با متغیرهای دیگر به صورت فرضیه‌آزمایی پرداخته‌اند و مطالعات کیفی و شناخت مولفه‌های برنامه درسی کارآفرینی دچار خلا پژوهشی است. دیگر اینکه مطالعات صورت گرفته بیشتر در حوزه آموزش عالی بوده و مدارس کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند. نتایج پژوهش حاضر می‌تواند به دانش‌افزایی از برنامه درسی کارآفرینی منجر شود و بتوان در طراحی برنامه درسی جایگاه ویژه کارآفرینی را لحاظ کرد. لذا بر اساس مطالب مطرح شده، هدف اصلی پژوهش حاضر، ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم است.

روش شناسی

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا پژوهشی تلفیقی (کیفی-کمی) بود. جامعه پژوهش در بخش کیفی شامل خیرگان رشته کارآفرینی استان البرز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ بودند که تعداد ۱۴ نفر بر اساس روش اشباع نظری و با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. معیارهای انتخاب خیرگان شامل هیأت علمی، رشته تحصیلی علوم تربیتی و مدیریت- کارآفرینی، تألیفات در زمینه کارآفرینی و میل به شرکت در مصاحبه بودند. جامعه آماری بخش کمی نیز شامل کلیه معلمان متوسطه دوم درس برنامه‌ریزی و کارآفرینی استان البرز در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۴۰۰ (۲۶۶ نفر) بودند که حجم نمونه بر اساس جدول مورگان و گرجسی ۱۵۴ نفر تعیین و به صورت روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. معیارهای ورود نیز شامل معلم متوسطه، دبیر تخصصی درس کارآفرینی و میل به تکمیل پرسشنامه بودند. لازم به ذکر است معیار خروج از پژوهش در هر دو بخش کیفی و کمی به خاطر اینکه ماهیت پژوهش بالینی نبود صرفاً شرکت و تکمیل مصاحبه‌ها و پرسشنامه‌ها بود.

شیوه اجرا در بخش کیفی اینگونه بود که ابتدا با خیرگان هماهنگی جهت شرکت در مصاحبه‌ها صورت گرفت. تعداد ۲۵ نفر گزینش شدند که در نهایت فقط ۱۸ نفر مایل به شرکت در مصاحبه بودند و تا مصاحبه ۱۴ نیز اشباع نظری حاصل شد. با توجه به پراکندگی اساتید و محدودیت دسترسی حضوری با آنان و بیماری کرونا، مصاحبه شونده‌گان مایل بودند که به صورت تلفنی در مصاحبه شرکت کنند. بعد از تعیین زمان مصاحبه هر شرکت کننده سوالات اولیه برای آنان ایمیل شد که آمادگی لازم داشته باشند. زمان مصاحبه‌ها با توجه به میزان توضیح شرکت کنندگان به طور متوسط ۴۰ دقیقه بود. جهت رعایت ملاحظات اخلاقی از آنان ضابط متن مصاحبه‌ها گرفته شد و این اطمینان داده شد که صرفاً در راستای کار پژوهشی است و استفاده دیگری ندارد که بر این اساس برخی مایل به ضابط متن مصاحبه‌ها نبودند. در بخش کمی نیز از آنجایی که دبیران درس کارآفرینی نیز به صورت پراکنده بودند ابتدا لیست تمام دبیران مورد نظر تهیه شد و از بین آنان به صورت تصادفی تعداد ۱۷۰ نفر ۱۶ نفر بیشتر از حجم مورد نیاز جهت جلوگیری از ریزش احتمالی انتخاب شدند و برای آنان پیامک جهت شرکت در پژوهش ارسال شد. سپس پرسشنامه‌ها به صورت ایمیل ارسال شد. گاهی برای تکمیل پرسشنامه چندین بار تماس گرفته شد تا شرکت کنندگان پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. این کار حدود ۱ ماه به طول کشید.

ابزار پژوهش در بخش کیفی مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته بود. در طراحی سوالات محدودیتی وجود نداشت و در جریان مصاحبه نکات و موضوعات مرتبط و مهم مورد توجه قرار می‌گرفت. ابزار بخش کمی نیز پرسشنامه‌ای محقق ساخته بود که بر اساس یافته‌های بخش کیفی طراحی شد. این پرسشنامه دارای ۵ مولفه و ۵۶ شاخص و بر اساس مقیاس لیکرت به صورت (کاملاً مخالفم=۱، مخالفم=۲، نظری ندارم=۳، موافقم=۴ و کاملاً موافقم=۵) بود.

برای اعتبار داده‌های کیفی محقق مجدد کل فرایند کدگذاری را واری نمود و همچنین از دو نفر خبره بیرون از پژوهش خواسته شد تمام فرایند را مورد بررسی قرار دهند که این کار به اندکی تغییرات منجر شد. برای پایایی نیز متن ۲ مصاحبه به همراه کدگذار دیگری مجدد کدگذاری شد که ضریب توافق

کدگذاری ۰/۸۶ حاصل شد. برای اعتبار یافته‌های کمی نیز از روایی صوری (۲ استادیار مدیریت آموزشی، ۱ استاد حوزه کارآفرینی و بازاریابی و ۱ استاد جامعه‌شناس) استفاده شد و پایایی نیز با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۲ شد. برای تحلیل داده‌ها نیز در بخش کیفی از روش تحلیل مضمون با نرم افزار Maxqda₁₈ و در بخش کمی با تحلیل عاملی اکتشافی و مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم افزار Smart PLS₃ استفاده شد.

یافته‌ها

برخی از مشخصات شرکت کنندگان (کیفی و کمی) در پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. برخی از ویژگی‌های مشارکت کنندگان (سن، جنسیت، مدرک تحصیلی و سنوات خدمت) نمونه پژوهش

نمونه بخش کیفی	سن		جنسیت		مدرک تحصیلی		سنوات خدمت	
	۴۰-۳۰	۵۰-۴۱	مرد	زن	استاد	دانشیار	استادیار	۱۰-۱۶
فراوانی	۲	۶	۱۱	۳	۳	۵	۶	۳
درصد	۱۴/۲۸	۴۲/۸۵	۷۸/۵۷	۲۱/۴۲	۲۱/۴۲	۳۵/۷۱	۴۲/۸۵	۴۲/۸۵
نمونه بخش کمی	سن		جنسیت		مدرک تحصیلی		سنوات خدمت	
	۴۰-۳۰	۵۰-۴۱	مرد	زن	کارشناسی	ارشد	دکتری	۱ تا ۱۰
فراوانی	۴۴	۷۷	۱۲۴	۲۷	۱۱۹	۲۶	۶	۳۹
درصد	۱۶/۵۴	۲۸/۹۴	۴۶/۶۱	۱۰/۱۵	۴۴/۷۳	۹/۷۷	۲/۲۵	۱۴/۶۶

در جدول (۲) مولفه‌ها و شاخص‌های کارآفرینی ارائه شده است.

جدول ۲. مضامین فرعی و اصلی کارفرینی از دیدگاه مشارکت کنندگان

مضامین اصلی	مضامین فرعی	مضامین اصلی	مضامین فرعی
ایجاد مهارت‌های کارآفرینی	خود یادگیری	ایجاد دانش کارآفرینی	فرصت‌سازی
	کاوشگری		یادگیری و یادهی
	مهارت‌های انطباقی		نوآوری
	تدوین استاندارد آموزشی		پژوهش و آموزش
	تحقیق و توسعه		تسهیم دانش فردی
	آموزش‌های مهارت محور		محیط یادگیری
	بهبود مستمر فرایند آموزش		مریبان آموزش دیده
	تدریس مبتنی بر کارآفرینی		استفاده از فناوری
	ارتقای حس کارآفرینی		دانش فردی
	تخصصی بودن محتوا		دانش محوری
	تحمل پذیری		قابلیت‌های فردی
	بازدید از کسب و کارهای جدید		پروژه‌های فردی
	مهارت متقاعد سازی		دانش آفرینی
ایجاد توانایی کارآفرینی	مهارت روابط عمومی	ایجاد نگرش کارآفرینی	انگیزه کارآفرینی
	مهارت تصمیم‌گیری مدیریتی		خودکارآمدی
	مهارت تصمیم‌گیری		تفکر واگرا
	مهارت‌های اجتماعی		انگیزش
	مأموریت کارآفرینی		تفکر انتقادی
	مهارت حل مسئله		تکفر خلاق
	ارائه بازخورد		تغییر پذیری
	توسعه کار تیمی		تشویق و ترغیب
	الگو برداری		فرهنگ سازی
	بحث و گفتگو		سازگاری و برون‌گرایی
کار و تلاش	سطح علاقمندی		

ایده پردازی	ایده پردازی
تناسب آموزش کارآفرینی	قصد کارآفرینانه
توانمند سازی	تعهد به کارآفرینی
قوانین حمایتی	حس ابتکار
توانایی سرمایه گذاری	عزت نفس
استعداد های فردی	هوشیاری کارآفرینانه
توانایی فناوری اطلاعات	تقویت ریسک پذیری

ابتدا تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت. در صورتی که مقدار KMO کمتر از ۰/۵ باشد، داده‌ها برای معادلات ساختاری مناسب نخواهند بود. نتایج نشان داد مقدار شاخص KMO برابر ۰/۸۷۳ است و تعداد نمونه برای تحلیل کافی است. همچنین مقدار معناداری آزمون بارتلت، کوچک‌تر از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد تحلیل مورد نظر برای شناسایی ساختار مدل مناسب است. جهت انجام تحلیل عاملی اکتشافی از روش تحلیل مولفه‌های اصلی و چرخش واریماکس استفاده شده که تعداد ۴ بعد به عنوان ابعاد مدل به همراه زیر مولفه‌ها استخراج شد. نتایج آن در جدول (۳) ارائه شده است.

جدول ۳. نتایج حاصل از انجام تحلیل عاملی اکتشافی

عوامل	دانش کارآفرینی	نگرش کارآفرینی	مهارت های کارآفرینی	توانایی کارآفرینی
زیر مولفه ها				
فرصت سازی	۰,۷۶۴			
یادگیری و یاددهی	۰,۷۳۵			
نوآوری	۰,۷۹۳			
پژوهش و آموزش	۰,۷۴۴			
دانش آفرینی	۰,۷۸۴			
تسهیم دانش فردی	۰,۷۵۵			
محیط یادگیری	۰,۸۷۶			
پروژه های فردی	۰,۷۶۵			
دانش محوری	۰,۷۱۱			
قابلیت های فردی	۰,۷۴۴			
دانش فردی	۰,۷۹۰			
مربیان آموزش دیده	۰,۷۷۳			
استفاده از فناوری	۰,۸۶۵			
انگیزه کارآفرینی		۰,۸۴۳		
تعهد به کارآفرینی		۰,۷۱۲		
تقویت ریسک پذیری		۰,۷۶۴		
حمایت از رفتارهای کارآفرینانه		۰,۷۷۷		
هوشیاری کارآفرینانه		۰,۷۰۵		
عزت نفس		۰,۸۱۵		
حس ابتکار		۰,۷۹۰		
قصد کارآفرینانه		۰,۷۹۲		
ایده پردازی		۰,۷۹۸		
سطح علاقمندی		۰,۷۳۰		
سازگاری و برونگرایی		۰,۷۶۶		
فرهنگ سازی		۰,۷۴۳		
تشویق و ترغیب		۰,۷۶۶		
تغییر پذیری		۰,۷۴۳		
تکفر خلاق		۰,۷۴۴		
تفکر انتقادی		۰,۸۳۳		
انگیزش		۰,۷۳۲		

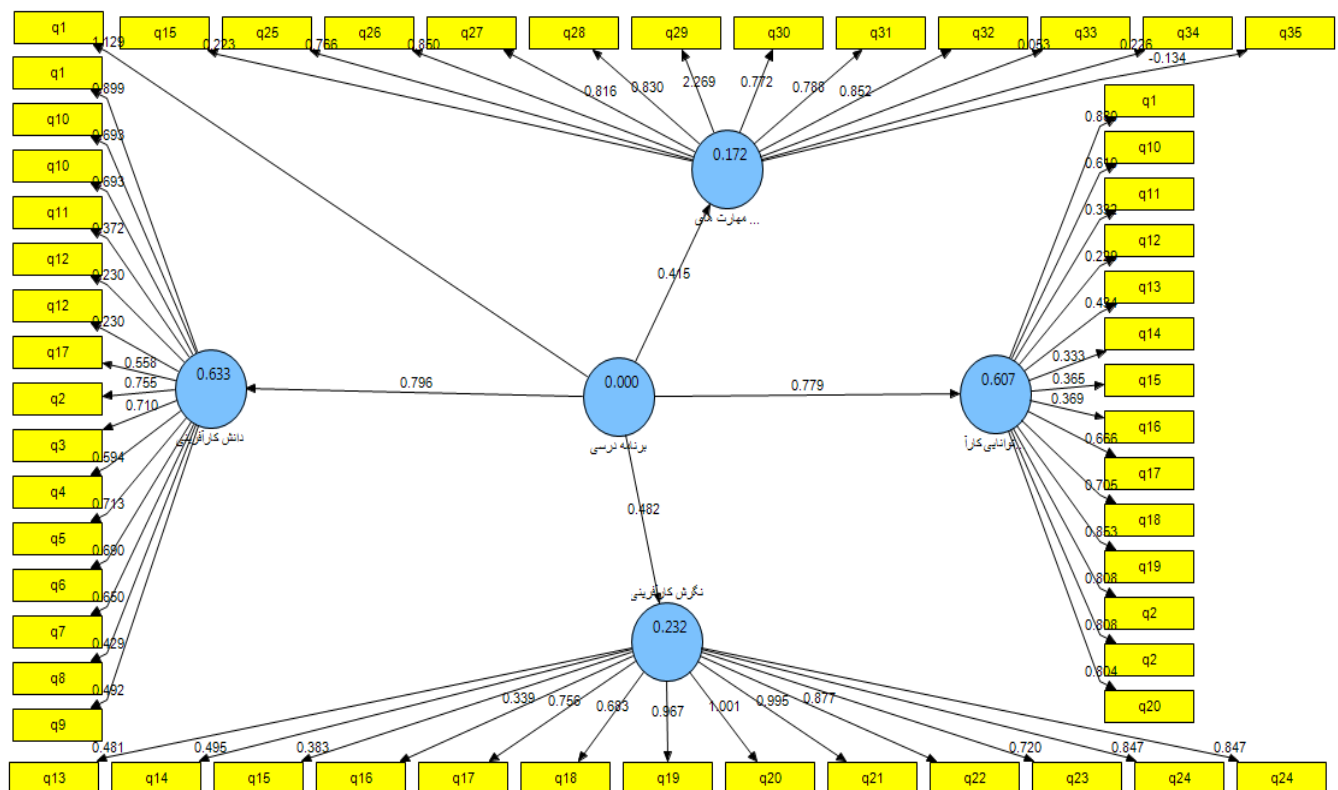
				تفکر واگرا
			۰,۷۶۲	خودکارآمدی
			۰,۷۶۹	خود یادگیری
	۰,۷۵۵			مهارت‌های اجتماعی
	۰,۷۴۳			مهارت تصمیم‌گیری
	۰,۸۱۱			مهارت تصمیم‌گیری مدیریتی
	۰,۸۶۵			مهارت روابط عمومی
	۰,۷۶۲			مهارت متقاعد سازی
	۰,۸۳۳			رهبری
	۰,۷۸۷			شبیه سازی
	۰,۷۱۱			بازدید از کسب و کارهای جدید
	۰,۸۰۳			مسئولیت‌پذیری
	۰,۷۶۵			تحمل ابهام
	۰,۷۴۳			تخصصی بودن محتوا
	۰,۷۸۱			ارتقای حس کارآفرینی
	۰,۷۶۴			تدریس مبتنی بر کارآفرینی
	۰,۸۵۰			بهبود مستمر فرایند آموزش
	۰,۸۶۵			آموزش‌های مهارت محور
	۰,۸۴۷			تحقیق و توسعه
	۰,۸۴۳			تدوین استاندارد آموزشی
	۰,۸۶۷			مهارت‌های انطباقی
	۰,۸۴۶			کاوشگری
	۰,۷۵۵			مأموریت کارآفرینی
	۰,۷۸۹			تقویت تفکر استراتژیک
	۰,۷۳۴			تعهد به چشم انداز
	۰,۷۶۱			مشارکت
	۰,۷۸۴			یادگیری موقعیتی
	۰,۷۳۴			توسعه کار تیمی
	۰,۷۵۵			مهارت حل مسئله
	۰,۷۹۰			توانایی فناوری اطلاعات
	۰,۷۷۰			استعداد های فردی
	۰,۷۴۵			توانایی ایجاد سرمایه گذاری
	۰,۷۸۳			قوانین حمایتی
	۰,۷۵۲			توانمند سازی
	۰,۷۹۴			تناسب آموزش کارآفرینی
	۰,۷۶۶			کار و تلاش
	۰,۸۴۳			بحث و گفتگو
	۰,۷۹۱			الگو برداری
	۰,۷۹۴			ارزشیابی دوره ها
	۰,۷۸۸			ارتباطات موثر
	۰,۹۴۵			مقادیر ویژه اولیه کل
۳,۷۶	۴,۳۵	۳,۲۱	۲,۹۸	درصد واریانس
۱۴,۶۵	۱۲,۷۶	۷,۶۵	۶,۵۴	درصد تراکمی واریانس
۶۸,۸۹	۸۱,۶۵	۸۹,۳۰	۹۵,۸۴	

نتایج جدول (۳) نشان داد عامل اول یعنی ایجاد دانش کارآفرینی ۶/۵۴ از واریانس کل را تبیین می کند، عامل دوم نگرش کارآفرینی ۷/۶۵ درصد، عامل سوم، مهارت های کارآفرینی ۱۲/۷۶ درصد و عامل چهارم یعنی توانایی کارآفرینی ۱۴/۶۵ درصد از کل واریانس کارآفرینی را تبیین کرده اند. در کل نیز عوامل و مولفه ها توانسته اند حدود ۹۵/۸۴ از واریانس کل را تبیین کنند.

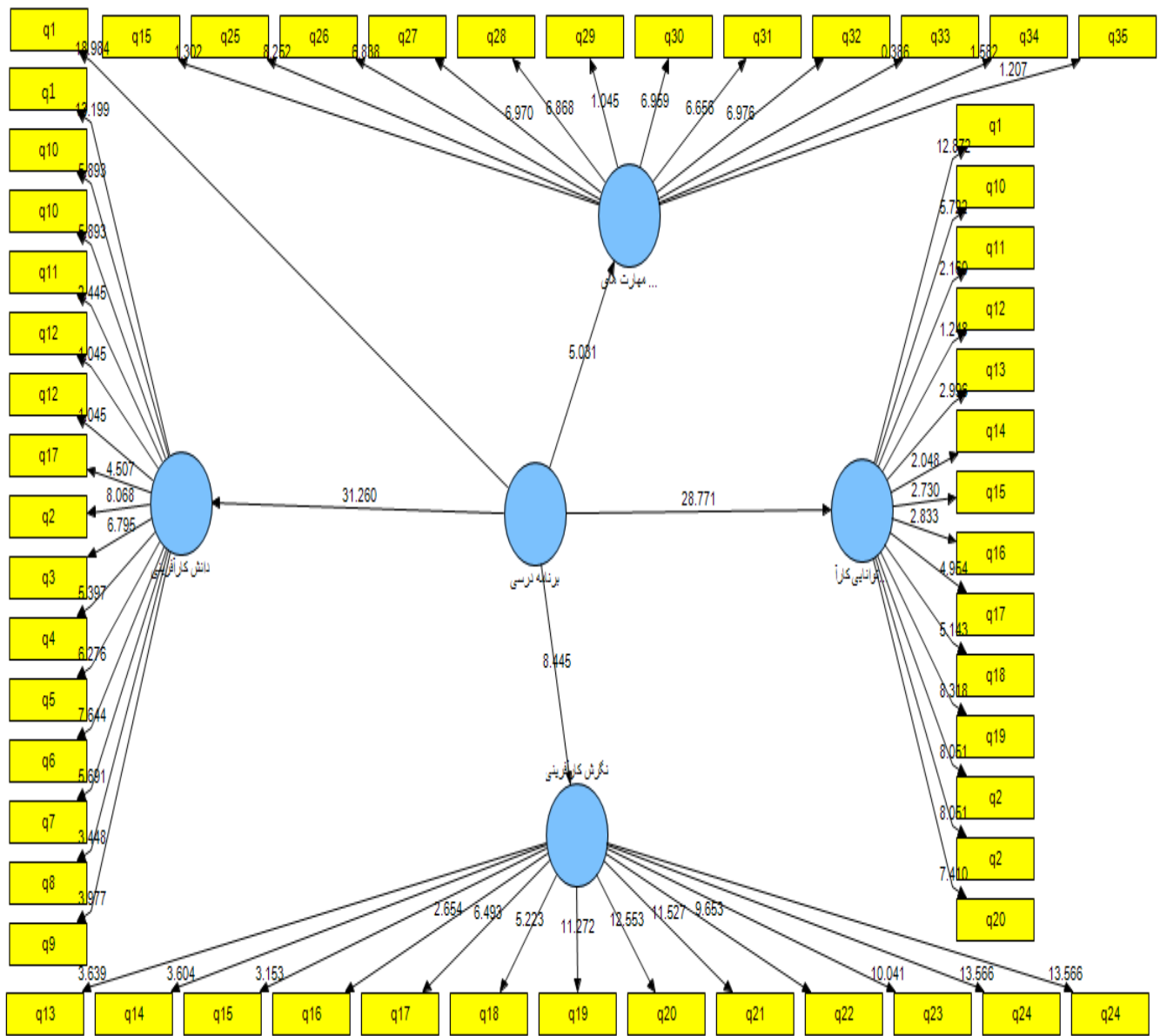
برای بررسی کیفیت مدل از شاخص بررسی افزونگی و ضریب تعیین استفاده شد. اعداد مثبت نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. معیار اصلی ارزیابی مدل ساختاری، ضریب تعیین می باشد. این شاخص نشان می دهد چند درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل صورت می گیرد. نتایج نشان داد ۸۸/۷ درصد از تغییرات برنامه درسی کارآفرینی توسط زیر مولفه های شناسایی شده (ابعاد مدل) پیش بینی می شود. اگر شاخص افزونگی بیشتر از صفر باشد مقادیر مشاهده شده خوب بازسازی شده و مدل توانایی پیش بینی دارد. در این تحقیق این شاخص برای متغیر برنامه درسی کارآفرینی بالای صفر می باشد. به منظور آزمون مدل مفهومی از شاخص های نیکویی برازش شامل: GFI، AGFI و RMSEA استفاده شده که نتایج آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. آماره های مربوط به نیکویی برازش مدل

نتیجه برازش	مقادیر پژوهش	ملاک	نماد	شاخص های برازش
برازش خوب	۱,۳۴	≤ 3	X^2/df	تقسیم کای-مربع بر درجه آزادی
برازش خوب	۰,۰۳	≤ 0.08	RMSEA	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد
برازش خوب	۰/۹۴	≥ 0.9	GFI	شاخص نیکویی برازش
برازش خوب	۰/۹۱	≥ 0.9	AGFI	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده
برازش خوب	۰/۹۵	≥ 0.9	CFI	شاخص برازش مقایسه ای
برازش خوب	۰/۹۳	≥ 0.9	IFI	شاخص برازش افزایشی
برازش خوب	۰/۹۲	≥ 0.9	NFI	شاخص برازش نرم
برازش خوب	۰/۹۶	≥ 0.9	NNFI	شاخص برازش غیر نرم
برازش خوب	۰/۷۶	≥ 0.67	R2	ضریب تعیین



شکل ۱. مدل اندازه گیری در حالت تخمین ضرایب استاندارد



شکل ۲. مدل اندازه‌گیری در حالت آزمون t

نتایج شکل‌های ۱ و ۲، نشان می‌دهد که کلیه ضرایب بدست آمده برای ابعاد مدل مثبت بوده کهمی‌توان نتیجه گرفت مدل معنادار است. پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل، برازش کلی مدل از طریق معیار GOF که شاخصی برای بررسی برازش مدل جهت پیش بینی متغیرهای درون‌زا می‌باشد، استفاده شد که مقدار آن بین صفر تا یک قرار دارد. مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. و توانایی پیش بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد و مدل آزمون شده پیش بینی متغیرهای مکنون درون‌زا را دارد. این معیار از طریق رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$Gof = \sqrt{\text{communalities} \times R^2} =$$

Communalities نشانه میانگین مقادیر اشتراکی هر سازه هست و R^2 نیز مقدار میانگین مقادیر Squares R سازه‌های درون‌زای مدل است. همچنین مقدار اشتراکی برابر است با ۰,۷۶ و با توجه به سه مقدار ۰,۰۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است،

حاصل شدن مقدار ۰.۶۵ برای GOF نشان از برازش قوی کلی مدل پژوهش دارد. از آنجایی که مقدار محاسبه شده GOF بزرگتر از ۰.۳۶، به دست آمد، نشان از برازش مناسب مدل پژوهش دارد. بنابراین می‌توان گفت برازش کلی مدل پژوهش بسیار مناسب و مورد تایید است.

بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینی یکی از راهکارهای پاسخگویی به نیازهای مختلف جوامع و افراد و در راستای بهره‌وری و خلاقیت از منابع انسانی است که امروزه جوامع سعی می‌کنند کارآفرینی و توجه به آن را در مدارس از طریق برنامه درسی باز کنند. بر این اساس، هدف اصلی این پژوهش ارائه الگوی برنامه درسی مبتنی بر کارآفرینی در دوره متوسطه دوم بود.

یافته‌های بخش کیفی نشان داد ۴ عامل و مضمون اصلی کارآفرینی در برنامه درسی شامل ایجاد دانش کارآفرینی، نگرش کارآفرینی، مهارت‌های کارآفرینی و توانایی کارآفرینی بود. یافته‌های این بخش با مطالعات (Omidi, & etal (2019)، (Holienska & Etal (2019)، (Mortezanezhad & etal (2017) همسو است. در تبیین این یافته باید گفت کارآفرینی موضوعی چندبعدی است که یکی از ابعاد مهم آن نوع نگرش به کارآفرینی به خصوص در مدارس است. زیرا وقتی دانش‌آموزان نسبت به آفرینی نگرش مطلوبی پیدا کنند و خلاقیت‌ها و قابلیت‌های خود را با کارآفرینی ترکیب کنند آنگاه می‌توان شاهد میل دانش‌آموزان به کارآفرینی بود. لذا برنامه درسی جامع و با اولویت ایجاد نگرش مثبت به کارآفرینی مهمترین اقدام می‌تواند باشد. عامل شناسایی شده دیگر، مهارت‌های کارآفرینی بود. برخی از صاحب نظران تصریح کردند که هدف از کارآفرینی در مدارس ایجاد مهارت‌های اولیه در دانش‌آموزان است لذا باید برنامه درسی بر بعد مهارتی کارآفرینی تمرکز لازم داشته باشد. زیرا مهارت‌ها باعث می‌شوند دانش‌آموزان نسبت به کارآفرینی حس خوبی پیدا کنند و فکر کسب و کار مبتنی بر کارآفرینی در دوران بعد از تحصیل در آنان به کار آید. عامل مهم دیگر، دانش کارآفرینی بود. دانش کارآفرینی می‌تواند در همان تعاریف ساده از کارآفرینی باشد. کارآفرینی موضوعی بین رشته‌ای است لذا باید در برنامه درسی به گونه‌ای عمل شود که بعد نظری کارآفرینی زیاد برجسته نباشد زیرا صرف دانش و معمولاً می‌تواند کارآفرینی را مانند سایر دروس دانشی محدود کند. بعد دیگر شناسایی شده، توانایی کارآفرینی بود. در تبیین این عامل باید گفت هدف از تربیت و آموزش کارآفرینی برای دانش‌آموزان اصولاً این نیست که همه به یک شکل توانمند شوند. زیرا توانمندی‌های دانش‌آموزان و زمینه مهارت‌های اولیه آنان متفاوت است. لذا باید برنامه درسی از سطوح و لایه‌های مختلفی تشکیل شده باشد که بتواند برای هر دانش‌آموز نسبت به توانمندی فردی ذهنی و روانی آن کارآفرینی لذت بخش و کارآمد شود.

نتایج تحلیل عاملی اکتشافی نیز نشان داد عوامل (مهارت‌های کارآفرینی)، (توانایی کارآفرینی)، (نگرش کارآفرینی) و ایجاد دانش کارآفرینی به ترتیب بیشترین سهم در ایجاد برنامه درسی کارآفرینی دارند. این یافته با برخی نتایج مطالعات (Roshani & etal (2015) و (Yadollahi Farsi & Mirarab (2009) تا حدودی همسو است. زیرا اگرچه آنان در مطالعات خود به برخی از عوامل برنامه درسی مورد نظر اشاره کردند ولی به اولویت‌بندی عوامل نپرداخته‌اند. در تبیین نتایج می‌توان گفت یکی از مهمترین متغیرهای لازم برای کارآفرینی مهارت است. مهارت‌ها باعث می‌شوند فرد پیشرفت کاری داشته باشد. از سویی دیگر، مهارت‌ها موجب می‌شوند تا فرد بتواند با کارش ارتباط خوبی برقرار کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت دلیل تاثیرات بیشتر عامل مهارت‌ها به همین موضوع باشد که مهارت‌ها پایه ارتباط با کارآفرینی به خصوص در دانش‌آموزان است و باید مهارت‌های اولیه در قالب برنامه درسی برای دانش‌آموزان در اولویت باشد. توانمندی‌های کارآفرینی می‌تواند شامل توانمندی‌های روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و حتی توانمندی‌های جسمانی و فردی باشد. برای مثال نوع شخصیت فرد و احوالات روحی و روانی او می‌تواند در نزدیکی و یا دوری از کارآفرینی اثرگذار باشد. همچنین از نظر جامعه‌شناختی جایگاه کارآفرینی در جامعه و نهادینه شدن آن در جامعه می‌تواند در ایجاد توانمندی‌های افراد تاثیرات داشته باشند. بنابراین، می‌تواند نتیجه گرفت عامل توانمندی‌های کارآفرینی طیف گسترده‌ای توانمندی‌ها را در بر می‌گیرد و شاید به همین دلیل از نظر مشارکت‌کنندگان در اولویت دوم بوده است. در مورد نگرش‌ها نیز باید گفت، نگرش مثبت و منفی به کارآفرینی می‌تواند عامل جذب و یا طرد دانش‌آموزان به کارآفرینی باشد. از آنجایی که دانش‌آموزان متوسطه در پایان دوره تحصیلات خود هستند هرچه برنامه درسی بتواند نگرش آنها را به کارآفرینی مثبت‌تر کند می‌توان فرصت‌های کسب و کارانه زیادی برای آنان بعد از اتمام تحصیلات متناسب با توانمندی‌ها و علائق خود به دست آورند. لذا می‌توان نتیجه گرفت نگرش‌ها عاملی اساسی برای کارآفرینی در مدارس است. یافته دیگر، دانش کارآفرینی بود. در تبیین این یافته باید گفت دانش تخصصی در کارآفرینی اصولاً می‌تواند در طول دوره کاری کسب و استمرار یابد. اما در دوره مدرسه و برنامه درسی این دانش می‌تواند محتوایی اولیه در خصوص کاربردها و مفاهیم اصلی کارآفرینی باشد. همانگونه که صاحب‌نظران تصریح کردند دوره مدرسه می‌تواند این فرصت را برای دانش‌آموز ایجاد کند که دانش اولیه را کسب و سپس در دوره‌های بعدی زندگی حرفه‌ای خود آن را تعمق بخشند. شاید به همین دلیل است از دیدگاه شرکت‌کنندگان دانش کارآفرینی در درجه اولویت کمتر بوده است.

محدودیت پژوهش حاضر این بود که نتایج پژوهش حاصل مطالعه‌ای موردی بوده و ناظر بر منطقه گسترده‌ای نیست؛ لذا باید با نتایج با احتیاط نگریست. همچنین، کارآفرینی مقوله‌ای میان رشته‌ای و گسترده است که باید برای احصا الگوی جامع‌تری باید از دیدگاه‌های سایر فعالان کارآفرینی و اساتید سایر رشته‌ها نیز استفاده کرد. پیشنهاد می‌شود: ۱- محققان در آینده از تنوع دیدگاه‌های خبرگان و اساتید مرتبط با کارآفرینی استفاده کنند. ۲- پیشنهاد می‌شود برای استقبال دانش‌آموزان و خانواده‌ها از کارآفرینی، رسانه‌ها و به طور خاص رسانه‌های وابسته به آموزش و پرورش فرهنگ‌سازی کنند و کارآفرینی را در صدر اهمیت مشاغل حال و آینده ترسیم کنند. ۳- دید و بازدید از کارآفرینان مختلف و مؤسسان شرکت‌ها و کسب و کارهای خرد مولد، می‌تواند همزمان موجب نگرش مطلوب به کارآفرینی و پرورش روحیه خلاقیت و مهارت‌ها در دانش‌آموزان را فراهم کند. ۴- در جهت تشویق روحیه کارآفرینی در مدارس، پیشنهاد می‌شود دوره‌های عملی کارآفرینی با حضور بزرگان در مدارس تدریس و تبادل نظر شود. ۵- آشنایی و معرفی کسب و کارهای خرد از دیگر اقدامات مناسب برای آشنایی با دانش کارآفرینی است.

تشکر و قدردانی

در تهیه مقاله حاضر از منافع مالی سازمان و نهاد خاصی استفاده نشده است و بین نویسندگان هیچگونه تعارض منافی وجود ندارد. از اساتید محترم راهنما و مشاور که نظرات ارزشمند خود را در راستای کیفیت بهتر مطالب پیشنهاد دادند کمال تشکر به عمل می‌آید. همچنین از اساتید و معلمان گرانقدر محترم شرکت کننده در پژوهش تشکر می‌شود.

References

- Aulet W, Murray F. (2013). A tale of two entrepreneurs: understanding differences in the types of entrepreneurship in the economy. Available at SSRN 2259740.
- Boldureanu G, Ionescu A. M, Bercu A. M, et al. (2020). Entrepreneurship education through successful entrepreneurial models in higher education institutions. *sustainability*, 12(3): 1267-1277.
- Din B. H, Anuar A R, Usman M. (2016). The effectiveness of the entrepreneurship education program in upgrading entrepreneurial skills among public university students. *procedia-social and behavioral sciences*, 224(1): 117-123.
- Diandra D, Azmy A. (2020). Understanding definition of entrepreneurship. *international journal of management, accounting and economics*, 7(5): 235-241.
- Floris M, Pillitu D. (2019). Improving entrepreneurship education in primary schools: a pioneer project. *international journal of educational management*, 33(6): 1149-1169.
- Holienka M, Holienkova J, Gal P. (2019). Entrepreneurial characteristics of students in different fields of study. *acta universitatis agriculturae et silviculturae mendelianae brunensis*, 63(10): 1879-1889.
- Hardie B, Highfield C, Lee K. (2020). Entrepreneurship education today for students' unknown futures. *journal of pedagogical research*, 4(3): 401-417.
- Karyono H. (2017). Leading Entrepreneurship Education-Based Primary Schools, 128(3), 134-139.
- Kirkley W.W. (2017). Cultivating entrepreneurial behaviour: entrepreneurship education in secondary schools, *Asia pacific journal of innovation and entrepreneurship*, 11(1): 17-37.
- Omidi J, Hashemi S A, Gholtash A, Mashinchi A. (2019). Designing a curriculum design for entrepreneurship education for junior high school students. *journal of theory & Practice in curriculum*, 7(14): 5-34. (In Persian)
- Mortezanezhad N, Attaran M, Hosseinihah A, Abbasi E. (2017). The components of entrepreneurship curriculum based on the comparative approach. *journal of curriculum studies*, 12(44): 49-80. (In Persian)
- Mishel R.L. (2018). Opportunity recognition: an exploratory investigation of a component of the entrepreneurial process in the context of the health care industry: theory and practice. *tertiary education management*, 25(2): 81-94.
- Neck H. M, Corbett A. C. (2018). The scholarship of teaching and learning entrepreneurship. *entrepreneurship education & pedagogy*, 1(1): 8-41.
- Shakeri Siyah Kamari S, Yarmohammadzadeh P, Yariqoli B. (2018). Identify the entrepreneurial teacher's mentality about factors related to the promotion of entrepreneurship culture in schools. *Journal of School Administration*, 6(2): 243-263. (In Persian)
- Suryaman S, Hari K. (2017). Leading entrepreneurship education-based primary schools. *advances in social science, education and humanities research*, 128: 135-135.
- Sanchez J. C. (2011). University training for entrepreneurial competencies: Its impact on intention of venture creation, *international entrepreneurship and management journal*, 3(7): 239-254.
- Roshan M, Seifi E, Abdollahi B, et al. (2015). The relationship between the teachers' entrepreneurial training (objectives, content, necessity, method and context of training) and the high school student's entrepreneurship spirit. *journal of new thoughts on education*, 11(1): 151-179. (In Persian)
- Yadollahi Farsi J, Mirarab Razi R. (2009). A survey of entrepreneurship curriculum development in the field of Education. *journal of entrepreneurship development*, 2(1): 61-80. (In Persian)